

## روز جهانی کارگر

«ادعای طبقة کارگر علیه جنگ و توحش جهان سرمایه»

اطلاعیه حزب حکمتیست (خط رسمی) صفحه ۲

### International Workers' Day

# 1. May

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست (خط رسمی)  
Hekmatist (Official Line)

### Workers Of The World Unite!

## اول مه روز جهانی کارگر در

## منگنه ی دو جنگ!

«گفتگوی مظفر محمدی با رادیو نینا» صفحه ۴

## جهانیان و ایران!

## جنگ «آمریکا و اسرائیل» علیه آنها

### ثریا شهابی

جنگ آمریکا و اسرائیل علیه ایران، هر روز وارد فاز مخرب تری میشود. تهدیدهای آمریکا و اسرائیل علیه ایران، گسیل نیروهای بیشتر دریایی و هوایی و زمینی به خلیج فارس، یک روز داعیه تخریب کامل ایران و روز دیگر عقب نشینی و مذاکره و داعیه «محاصره دریایی تمامی بنادر ایران»، نشانی از فروکش کردن این جنگ مخرب، در خود میدان جنگ، ندارد. در خود میدان جنگ، همه نگاهها به سوی یک بخش از «جهانیان» یعنی کاراکترهای در مقابل صحنه، آمریکا، اسرائیل و ایران است! بخش اصلی «جهانیان»، مردم قربانی این جنگ، در سطح رسانه های میدان دار یا اساسا «اهمیت چندانی» ندارند و یا اگر «مهم» هستند، جایی است که قرار است خوراک دستگاههای تبلیغات جنگی شوند!

در ایران مردمی که پیشتر «امت همیشه در صحنه» بودند امروز به «ملت همیشه در صحنه» دگردیسی کرده اند و خوراک دستگاههای تبلیغاتی یک سو است، و در آمریکا و اسرائیل، «مردم ایران» عبارت اند از «ابرمردان آریایی» و «عربده کشی» است که همیشه در صحنه و در خدمت ترامپ و «بی بی» برای «بازپس گیری ایران» در خدمت اند!

اما خارج از این میدان، ابعاد این جنگ هر روز وسیع تر و مخرب تر میشود. بیش از پیش میلیتاریستی شدن منطقه ای که در آن حملات آمریکا و اسرائیل که در شروع به بهانه خطر «ایران اتمی» و «غنی سازی اورانیوم» صورت گرفت، ... صفحه ۶

# حکمتیست

هفتگی ۶۰۸

۲۳ آوریل ۲۰۲۶ - ۳ اردیبهشت ۱۴۰۵

## کارگران و جنگ

خالد حاج محمدی

کارگران همیشه قربانیان اصلی همه جنگ های دولتها و قدرتهای بورژوازی در جهان بوده اند. جنگهایی که به دلایل مختلف و در ادامه سیاست دولتها و قدرتهای جهانی و منطقه ای بوجود پیوسته است، بیشترین لطمات را از هر زاویه ای به طبقه کارگر زده است. جنگ اخیر و حمله نظامی به ایران که ظاهراً جنگی از جانب آمریکا و اسرائیل علیه جمهوری اسلامی است، تا هم اکنون بیشترین لطمات جانی، مالی، روحی، مبارزاتی و... را به طبقه کارگر و بخش محروم جامعه زده است. این جنگ مستقل از ادعاهای دروغین و شیادانه عاملین آن و حامیان جنگ، نه به پدیده خطر ایران اتمی مربوط است و نه جنگی علیه استبداد و سیستم ضد انسانی حاکم بر ایران است و نه قرار است سر سوزنی تغییری مثبت به نفع کارگران و اقشار محروم جامعه حتی در صورت فروپاشی جمهوری اسلامی ایجاد کند. همچنانکه به کرات تاکید کرده ایم جنگ آمریکا اسرائیل با جمهوری اسلامی و حمله به ایران، حلقه ای از کشمکشهای بزرگتر جهانی و منطقه ای و تلاش قدرتهای بزرگ مانند آمریکا و اسرائیل به عنوان یکی از قدرتهای خاورمیانه با هدف بهبود موقعیت خود در مقابل حریفان در دنیای به هم ریخته کنونی است.

دو دوره جنگ و حمله نظامی به ایران که به جنگ دوازده و چهل روزه مشهور است، مستقل از لطماتی که جمهوری اسلامی خورده است، بیشترین لطمات را به کارگران و خانواده های کارگری و بخش محروم جامعه زده است. علاوه بر ویرانی زیر ساختها و بمباران مراکز بهداشتی، بیمارستانها، مراکز آموزشی و خراب شدن بیش از صد هزار ساختمان مسکونی و کشتن هزاران نفر از جمله ۲۵۰ کودک، صدها کارگر در مراکز کار و در حین کار در صنایع اصلی از نفت و گاز تا پتروشیمی ها و فولاد ... جان باخته اند. حمله به مراکز صنعتی ایران، مستقل از زیان مادی آن، کشته هایش را از کارگران میگیرد. بمبارانها بخشی از صنایع و رشته های تولیدی و صنعتی اصلی جامعه ایران را از بین برده یا چنان لطمه خورده اند که به این زودی ها قابل بازسازی نیست و کارگران این مراکز، بیکار شده اند و فشار اقتصادی و فقر زندگی آنها را به هم ریخته است. در بسیاری از مراکز کارگری به دلیل جنگ میزان تولید فروکش کرده و به این بهانه بخشی از کارگران اخراج شده اند، یا بدون در آمد مرخصی اجباری گرفته اند و ... صفحه ۳

# آزادی برابری حکومت کارگری

# روز جهانی کارگر

## «ادعانهامه طبقه کارگر علیه جنگ و

### توحش جهان سرمایه»

اطلاعیه حزب حکمتیست (خط رسمی)

اول مه امسال در شرایطی فرامیرسد که پولناریای ایران بعنوان گردانی از لشکر جهانی طبقه کارگر، زیر تهدید و بمباران یک جنگ ارتجاعی و تجاوزکارانه قرار گرفته است. جنگی که صدها کودک را زیر آوار مدارس دفن، هزاران کارگر را در بنادر و حمل و نقل، پتروشیمی ها، نفت، گاز و فولاد و... کشته، صدها هزار کارگر را بیکار کرده و زندگی دهها میلیون انسان از خانواده های کارگری را به فقر و تباهی سوق داده است. جنگی که خانه های مسکونی را بر سر مردم خراب، بیمارستانها را ویران، بخشی از زیر ساختهای اقتصادی را نابود و میلیون ها نفر را آواره و سایه مرگ و تهدید و ترس را بر فراز جامعه ایران و کل منطقه گسترده است.

در آستانه ی اول مه، جامعه ما در منگنه جنگ جنایتکارانه دو دولت جنگ طلب آمریکا و اسرائیل از طرفی و جنگ جمهوری اسلامی با مردم از طرف دیگر قرار گرفته است. عوارض و تبعات این جنگ علاوه بر خسارت جانی و مالی، ما را با شرایط دشواری روبرو کرده و پایان فوری و بی قید و شرط جنگ و تجاوز را به یک ضرورت حیاتی جامعه تبدیل کرده است.

جمهوری اسلامی حتی با فرض پایان جنگ و تجاوز آمریکا هم، فضای جنگی را بر سر جامعه نگاه میدارد. فضایی که هدفش به حاشیه راندن اعتصابات و اعتراضات طبقه کارگر و اعتراضات اجتماعی است. جنگ را دو دولت جنایتکار آمریکا و اسرائیل به مردم ایران و منطقه تحمیل کردند و جمهوری اسلامی میکوشد از جنگ به عنوان اسلحه ای علیه طبقه کارگر حق طلب و مردم آزادخواه، نهایت استفاده را ببرد. لذا در شرایط و فضای جنگی علاوه بر گسترش بیکاری، فقر، گرانی و فلاکت، فضای میلیتاریستی و خفقان و به علاوه جوخه های اعدام بر پا کرده است. برنامه سرکوب سراسری با «طرح امنیت محله محور»، کنترل و بازرسی های گسترده در خیابان شهرها و جاده ها، بازداشت های وسیع و محاکمه متهمین با ادعای همکاری با اسرائیل و دستگاه جاسوسی موساد و سیا، در دادگاه های صحرایی و بدور از چشمان جامعه، همگی از جمله استفاده از شرایط جنگی علیه امنیت و سلامت و حرمت جامعه است و برای تحکیم موقعیت خود و بورژوازی ایران در مقابل طبقه کارگر و بخش محروم جامعه.

گسترش «میهن پرستی» محصول دیگر جنگ ارتجاعی است که توسط جمهوری اسلامی باد زده میشود و به اوج رسیده است. در شرایط نفرت عمومی از اسلامیت و مذهب و شریعت نظام و عقب نشینی هایی که جنبش برابری طلبانه طی چند دهه به جمهوری اسلامی تحمیل کرد، اکنون و زیر سایه جنگ پرچم «میهن پرستی» و دفاع از آن و فدای جان برای ایران، جایش را گرفته است. اکنون به طور همه جانبه سرودهای ملی و شعارها و پرچم زنده باد ایران، جای سینه زنی یا حسین در خیابان های تهران را گرفته. «وطن پرستی» آنها در خدمت منافع اقلیتی مفتخور و انگلی است که زنده به نیروی کار و بشرط سکوت و تسلیم آنها است. ناسیونالیسم و وطن پرستی این سم و دشمن خوداگایی طبقه ما، این هویت کاذب و ضد کارگری را برای بسیج جامعه در خدمت قدرت حاکم، در خدمت محکم کردن زنجیرهای بردگی بر دست و پای طبقه کارگر به عرش اعلا برده اند.

در شرایط دهشتناک و ضد انسانی کنونی، در دل جنگ و بمباران همه جانبه ۹۰ میلیون انسان در ایران و همزمان با عریضه کشی گانگستر حاکم بر آمریکا و ادعای نابودی یک تمدن، لاشخورهایی کمین کرده اند تا از قبل جنگ و تباهی و نابودی جامعه کلاهی برای خود بدوزند. در زمین عقونت جنایات جنگی، تنها کرم هایی مثل نئوپهلوی ها، فرقه ی رجویی، قوم پرستان کرد و گروههای گانگستری و جنگ طلب رشد میکنند. دشمنان رنگارنگ مردم از ترامپ و تانباهو تا فرقه های تبهکار اپوزیسیون بورژوازی در کمال وقاحت و بی شرمی، از ما مردم ایران دم میزنند و با پب و کشتار و خانه خرابی و ویرانی جامعه، نوید «هایی» ما را سر میدهند.

وظیفه ما کارگران آگاه و برابری طلب مقابله با این شرایط، ایستادن در مقابل جنگ و جنگ طلبان، دست زد بر سینه آنها و همزمان بازسازی نیروی طبقاتی و اجتماعی خود، متحد کردن و متحد نگه داشته صفوف خود در دفاع از زندگی و در دفاع از دستاوردهای تاکنون خود در مقابل جمهوری اسلامی است. نه گفتی به جنگ و مقاومت در برابر نظامی کردن محیط کار و زندگی، بازرسی ها و مزاحمت ها و تهدید و بازداشت و اعدام های صحرایی حاکمیت، مقابله با انداختن هزینه های جنگ بر دوش طبقه کارگر و بخش محروم، اولویت اول طبقه ما و همه محرومان و استثمار شدگان جامعه است.

اول ماه مه فرصتی است که طبقه کارگر بار دیگر ادعانهامه خود علیه نظام تبهکار سرمایه داری، با جنگ و جنایت و میلیتاریسم آن، با فقر و استثمار و بی حقوقی آن، با ناسیونالیسم و فاشیسم و نژادپرستی آن و با فرهنگ و سنت عقب مانده و ضد انسانی آن را به جهان اعلام کند. بار دیگر به طبقات حاکمه اعلام کند طبقه کارگر جهان منفعت واحدی دارد و تقسیم بردار، به این و آن کشور و میهن و قوم و ملت و زبان و مذهب و نژاد نیست. اعلام کند طبقه کارگر در ایران بخش و گردانی از یک طبقه جهانی در مقابل نظام کاپیتالیستی است. اول مه روز قدرت نمایی جهانی طبقه ی ما و کمونیسم اش علیه نظام کاپیتالیستی است.

جنگ به ما تحمیل شد و علیه جنبش و طبقه ما و علیه مردم محروم ایران و منطقه و جهان است. اگر سایه این جنگ از سر جامعه کنار برود، بی تردید شرایط برای پیشروی جنبش طبقه کارگر برای مطالبات ش، به سرعت مهیا خواهد شد. در ایران دهها میلیون مردم که از تبعیض و ستم و استثمار بیزارند، زندگی بخور نمیر می خواهند! اکثریت مردم ایران، طبقه کارگر و بخش محروم جامعه، رفاه و خوشبختی میخواهند، آزادی و امنیت و صلح و برابری میخواهند. در جامعه ما در میان کارگران و زنان و جوانان، عشق به آزادی و خوشبختی و رفاه و برابری موج می زند.

دوره اخیر و جنگ جنایتکارانه کنونی نشان داد که در ایران، همچون همه جوامع کاپیتالیستی، و در جهانی که «قدرت سود» پشت به «قدرت اسلحه» و تخریب حکم میراند، در غیاب حضور قدرتمند طبقه کارگر با پرچم سوسیالیستی و کمونیستی خود و متشکل در احزاب و سازمانها و تشکل های سراسری خود، جهان به چه منجلابی تبدیل میشود!

کارگران کمونیست، رفقا!

بی تردید شما در این شرایط جنگی بسیار بیش از پیش میتوانید راهگشا و هدایت کننده باشید. اول ماه مه امسال طبقه کارگر ایران، که در آن گرایش کمونیستی سالها است دست بالا داشته، باید علیه این جنگ و برای پایان فوری و بی قید و شرط آن، صدای خود را به جهانیان برساند. باید در مقابل پروپاگانداهای نظامی و فشارهای جمهوری اسلامی، برای سرباز گیری از طبقه کارگر و خراب کردن بار این جنگ بر کرده این طبقه، علیه تحمیل فقر و فلاکت و اختناق بیشتر و در مقابل تعرض به همه دستاوردهای مبارزاتی تاکنونی ش به بهانه جنگ، سنگر های محکمی بنند! کارگران سوسیالیست، رهبران عملی و سازمان دهندگان اعتراضات و اعتصابات و مبارزات کارگری در ایران، بخشی که تا پیش از این جنگ بارها و بارها قدرت و اتحاد و همبستگی شان، قدرت حاکم را به عقب نشینی های زیادی کشانده بود، روز اول مه را میتوانند به روز احساس قدرت طبقه کارگر حول خواست های خود، تبدیل کنند!

اول مه فرصت و مناسبتی است که با صدای بلند علیه این نظام، علیه جنگ و استثمار و بردگی آن فریاد زد. نگذارید جنگ و فضای جنگی، صدای آزادخواهی و حق طلبی جامعه را به حاشیه ببرد. نباید گذاشت جمهوری اسلامی با ادعای پیروزی «ملت ایران»، حتی نزد یک کارگر هم، برای خود مشروعیت بخرد. تعرض رژیم به جامعه بعنوان «پیروز جنگ» و «انتقام کشی» از مردم و هر معترضی، یکی از جبهه های جنگ حکومت با ما است! تشدید فقر و فلاکت باز هم به بهانه این که در جنگ بودیم و هنوز هم سایه جنگ از بین نرفته، پذیرفتنی نیست.

هنوز سایه شوم جنگ بر جامعه ما حاکم است، خواست فوری ما همراه صدها میلیون انسان در سراسر جهان پایان فوری و بی قید و شرط این جنگ جنایتکارانه است. با فرو نشستن گرد و خاک جنگ، جامعه ما کمر راست می کند تا به سیاق همیشگی سراغ جمهوری اسلامی برود و برای آزادی و رفاه و برابری بجنگد. هر تصور اقدامی جز این دشمنی با جامعه و طبقه کارگر و مردمی است که تا کنون کام های بزرگی برای آزادی و رفاه و برابری برداشته است! صفوف طبقه کارگر و مردم آگاه و آزادخواه ایران از صف دشمنان مردم، صف اپوزیسیون بورژوازی از ناسیونالیسم ایرانی تا قوم پرستان رنگارنگ که به طناب جنگ و تجاوز اسرائیل و آمریکا آویزان و عناصر فروپاشی جامعه ایران هستند، بطور کامل و قاطعانه جدا است!

در جبهه های نبرد طبقاتی و اجتماعی، پیشروی و پیروزی طبقه کارگر، پیروزی کل جامعه است! تأمین این مهم بر دوش ما کمونیستهای این طبقه است. اول مه با صدای رسا اتحاد طبقاتی و جهانی خود را اعلام کنیم و بر ضرورت فوری انقلاب کارگری پای بفشاریم.

آزادی، برابری، حکومت کارگری

حزب حکمتیست (خط رسمی)

دوم اردیبهشت ۱۴۰۵ - ۲۲ آوریل ۲۰۲۶

یا نیمه وقت و با نصف در آمد کار میکنند. کارگران بخش ساختمانی اساساً بیکار شده اند. آمار بیکاری ها و اخراجها خصوصاً در جنگ ۴۰ روزه، بسیار بالا رفته و خود رسانه های و ارگانهای حکومتی از صدها هزار کارگر سخن میگویند. افزایش ۶۰ درصدی حداقل دستمزد برای سال ۱۴۰۵ که در توافق نمایندگان دولت، کارفرمایان و نماینده شوراهای اسلامی توافق شده است، هنوز رسماً ابلاغ نشده است. آنها از ترس اعتراضات و اعتصابات کارگری و به دلیل تورم و گرانی بالا، برای ممانعت از اعتراضات پایین جامعه از نظر خودشان سنگ تمام گذاشتند و افزایش ۶۰ درصدی دستمزدها را تصویب کردند و با شروع جنگ و بمباران فعلاً مصوبه خودشان را زیر فرش کرده اند. این جنگ معین و تجاوزکاری آمریکا و اسرائیل، موقعیتی را به جمهوری اسلامی داده است که به عنوان قربانی ظاهر شود و با پرچم دفاع از ایران در مقابل تجاوز خارجی، طبقه کارگر و مردم ایران را در مقابل خود در موقعیت دفاعی و ضعیفی قرار دهد. جمهوری اسلامی همه جانبه میکوشد با اتکا به نفرت بر حق کارگران و مردم محروم از جنگ و بمباران و عاملین آن کارگران و مردم ایران را به نام دفاع از وطن حول جمهوری اسلامی جمع کند و با خود آشتی دهد. اینکه ایران این جنگ را نخواسته، اینکه در میانه مذاکرات، آمریکا و اسرائیل به بهانه های پوچ از جمله مسئله خطر ایران اقیانوس به ایران حمله کرده اند، اینکه دولت آمریکا و اسرائیل زورگویی میکنند و زبان میلیتاریسم و اسلحه و ترور زبان و منطق آنان است و به علاوه اینکه این دو حاکمیت خودشان عاملین کشتارهای زیاد و جنگهای جانیتکارانه و نسل کشی های بزرگ قرن اخیر در جهانند و مورد نفرت عمیق و به حق جهانیان هستند، جمهوری اسلامی را در موقعیتی قرار میدهد که زبانش نسب کارگران و محرومان جامعه در ایران دراز باشد. همین موقعیت شرایطی را تحمیل میکند که کارگر زیر بمباران مجبور باشد به سر کار برود و صدایش هم در نیاید، اخراج شود و چیزی نگوید، حقوقش و کارش را نصف کنند و چیزی نگوید. این جنگ چه در سطح منطقه و چه در جامعه ایران، مردم حق طلب و خصوصاً طبقه کارگر را در موقعیت به شدت دفاعی در مقابل بورژوازی ایران و دولتش قرار داده است و توازن قوا را به نفع طبقه حاکم و به زیان کارگران تغییر داده است.

جنگ کنونی بیشترین لطمه را به مبارزات کارگری، به جنبش حق زن و مبارزات آزادیخواهانه در ایران برای رفاه عمومی و آزادی های سیاسی و... زد. قبل از این جنگ اعتراضات کارگری، اعتراضات نسل جوان و زنان و اقشار محروم جامعه از بازنشسته تا پرستار و معلم حول بهبود زندگی و امنیت و آزادی، کارگران و مردم متمدن جهان را متوجه و حامی خود کرده بود و به جمهوری اسلامی عقب نشینی های بزرگی تحمیل کرد. جنگ فضای اعتراضی را بست و عقب راند، تجمعات کارگری را پایان داد، اعتراض و تظاهراتها و تجمعات در دانشگاه و محلات و مراکز کار و زندگی را به شدت به حاشیه برد. جمهوری اسلامی طالب این جنگ نبود و این جنگ به او تحمیل شد و اما یک سرسوزن در استفاده از جنگ و فضای میلیتاریستی علیه طبقه کارگر و اقشار محروم و معترض کوتاهی نکرد. این جنگ بر خلاف پروپاگانده جنگی هواداران جنگ و حمله نظامی به ایران و به نام مقابله با جمهوری اسلامی، جنبش کارگری و جنبش آزادیخواهانه مردم در ایران را به موقعیت دفاعی عقب راند. لطمات این جنگ به توازن قوای میان طبقه کارگر و جمهوری اسلامی به نفع جمهوری اسلامی بسیار عیان و آشکار است.

ادعا میشود جمهوری اسلامی تضعیف شده است و شرایط برای تعرض پایین آماده شده است! اینها را هواداران جنگ و حامیان اسرائیل و آمریکا وسیعاً تبلیغ میکنند و عده ای هم ممکن است از سر استیصال و کوتاه بینی آنها باور کنند. اینها در حقیقت ادعاهای شیادانه ترامپ و نتانیاهو و نیابتی های آنان و رسانه هایشان بر سر این جنگ و برای مشروعیت دادن به حمله و بمباران ایران است. اسرائیل و آمریکا و اپوزیسیون متحد و مدافع جنگ، از خود جمهوری اسلامی ضد کارگر تر و ضد هر نوع بهبود و رفاه و آزادی برای پایین جامعه اند.

اینکه جمهوری اسلامی لطمه خورده است، اینکه طیفی از رهبران سیاسی و نظامی مهم خود را از دست داده است، اینکه از نظر هزینه های جنگ، ویرانی های جنگ، میزان نابودی زیر ساختها و حتی لطمات به مراکز نظامی و... لطمات قابل توجه خورده است، واقعی است. چنین پدیده ای برای نیرویی که در این جنگ کنار اسرائیل و آمریکا و همراه و شریک آنها در جنگ است، مایه خوشحالی است و به عنوان پیروزی خود و رهبران و اربابان خود نگاهش میکند. اگر آمریکا و اسرائیل پیروز حساب شوند یا پیروز شوند معلوم است این طیف فرصت طلب و هوادار آنها احساس پیروزی میکند، اما پیروزی دو حاکمیت جنایتکارتر از جمهوری اسلامی چرا پیروزی من است، چرا پیروزی طبقه کارگر است؟ اما حتی و با فرض پیروزی اسرائیل و آمریکا در این جنگ، طبقه کارگر جز فلاکت و وخیم شدن شرایطش و عقب راندن مبارزاتش، لطمه خوردن اتحاد و همبستگی اش، دستاوردی نداشته است. پیروزی کسانی که عامل وسیعترین جنایتهای تاریخ بشر در جهان و منطقه اند، پیروزی جلاان و قصابان مردم غزه، پیروزی طبقه کارگر در ایران، در اسرائیل

و آمریکا و در هیچ نقطه ای از جهان نیست، همچنانکه پیروزی جمهوری اسلامی پیروزی کارگران در ایران نیست. به علاوه و در دنیای واقعی آمریکا و اسرائیل در این جنگ علاوه بر اینکه در رسیدن به اهداف خود شکست خوردند، در ابعاد گوناگون هم نظامی و هم هزینه جنگ و ویرانی ها در اسرائیل و مراکز نظامی آمریکا در منطقه و هم از نظر سیاسی لطمات بزرگی خورده اند که وارد آن نمیشوم. اما جنگ دست جمهوری اسلامی در تعرض به طبقه کارگر و اقشار محروم را باز کرد. جنگ و شرایط جنگی ابزاری شد برای تحمیل فضای مختنق به جامعه، ابزاری شد برای تحمیل فضای میلیتاریستی، امکانی شد برای کنترل محل کار و زندگی طبقه کارگر و مردم محروم، برای خانه گردی و دستگیری و افزایش وسیع اعدامهای صحرایی با ادعاهای جاسوسی و همکاری با اسرائیل و آمریکا. جنگ برای بورژوازی ایران و حکومتش ابزاری شد برای توجیه فقر، توجیه گرانی و گرسنگی و تحمیل ریاضت اقتصادی، توجیهی برای افزایش سرسام آور هزینه های نظامی و جاسوسی و هزینه ارگانهای سرکوب از قوه قضائیه تا زندانها و...، از جیب طبقه کارگر و بخش کارکن جامعه.

این جنگ اگر حتی پایان یابد، آثار مخربش برای طبقه کارگر و اقشار محروم جامعه، برای مدت طولانی باقی میماند. بعد از جنگ نیز طبقه کارگر ایران با پدیده بازسازی فوری زیرساختها، بازپرداخت هزینه های جنگ و تقویت ارتش و سپاه برای جنگ های احتمالی آتی و لزوم تحمل شرایط وخیم اقتصادی از جانب بورژوازی ایران و حکومتش روبرو خواهد شد و این از برکات کثیف این جنگ جنایتکارانه برای کارگران و اقشار کم در آمد است. اینها را به نام ضرورت و نیاز وطن و مردمش سعی میکنند با اتکا نه ناسیونالیستی که عروج کرده و رشد کرده است به ما تحمیل کنند.

به همه این دلایل حتی یک روز بیشتر این جنگ ادامه پیدا کند، به زیان طبقه کارگر و به زیان جنگ ما و مردم محروم علیه جمهوری اسلامی برای بهبود زندگی تمام میشود. تعجیل ما و تلاش کارگران و مردم زیر بمباران و خواست پایان فوری این جنگ، مبنای عمیقاً انسانی و عمیقاً اجتماعی در خدمت نجات جان انسانها، کم کردن ویرانی و آوارگی و خانه خرابی برای مردم و تقویت جنبش کارگری و جنبش اعتراضی و آزادیخواهانه در ایران است. پایان فوری و بی قید و شرط این جنگ به همین دلیل اولویت فوری امروز ما و اولویت هر کارگر آگاهی در آمریکا و اسرائیل و... است. قطع فوری و بی قید و شرط جنگ اولین قدم برای بازیابی نیرو و امکان نفس کشیدن جامعه و ایجاد آمادگی برای ادامه جنگ با جمهوری اسلامی و نظام کاپیتالیستی حاکم بر ایران است.

تا اکنون و با ناکامی آمریکا و اسرائیل در رسیدن به اهدافشان در جنگی که آنها تحمیل کردند، عملاً جمهوری اسلامی تا امروز پیروزمند است. مستقل از اینکه دو طرف این ماجرا یعنی دو دولت جنایتکار آمریکا و اسرائیل و جمهوری اسلامی، هر دو طرف در مقابل ما و طبقه ما و دشمنان خونین ما کارگران در ایران، آمریکا و اسرائیل و منطقه هستند، اما جمهوری اسلامی پیروزمند میکوشد از این پیروزی بیشترین استفاده را برای تحکیم موقعیت خود در مقابل کارگران و اقشار زحمتکش و در مقابل همه مخالفان خود برد.

بی تردید شرایط جنگی کنونی که واقعاً هنوز معلوم نیست به چه سرانجامی میرسد، شرایط به شدت سخت برای فعالیت کمیونیستهای طبقه کارگر است. ما به مراتب از دوره قبل از حمله به ایران در وضعیت بدتر و زیر منگنه جنگ و پیامدهای آن هستیم. مهمترین مسئله در این شرایط حفظ وحدت و یکی بودن و با هم بودن کارگران در هر شکل است. کار ما در این شرایط هم روشننگری در مورد ماهیت جنگ و هم افشا همه نیروهایی است که هر کس به نامی میخواهد از طبقه کارگر و مردم محروم در خدمت جنبه خود سر بازگیری کند. یکی این جنگ را به نام سرنگونی جمهوری اسلامی به ما میفروشد که دولتهای جنایتکار آمریکا و اسرائیل و اپوزیسیون جنگ طلب است و دیگر جمهوری اسلامی و طیفی از ناسیونالیستهای وطن پرست مخالف حمله به ایران هستند که آنها به نام دفاع از وطن و میهن و حفظ جان و سرزمین ایران تحویل ما میدهند. تقابل با هر دوی این اردوی ارتجاع کار جدی ما است. باید پرده از ماهیت اینها برداشت تا بتوان امکان تقویت اتحاد کارگران در دفاع از منافع مشترک خود و علیه جنگ و حمله نظامی به ایران آماده کرد. محکوم کردن جنگ و بنیان آن که اساس اسرائیل و آمریکا و پادوهای آنها است، مشروعیتی برای جمهوری اسلامی که ۴۷ سال است با او در جنگ هستیم نمیخورد.

اگر سایه شوم جنگ بر فراز جامعه ایران و منطقه برداشته شود، اگر جنگ پایان یابد به طور قطع یک میدان جدی از جدال میان طبقه کارگر و بورژوازی ایران بر سر معیشت و دفاع از دستاوردهای قبل از جنگ است، که زیر سایه جنگ مورد تعرض قرار گرفته یا به حاشیه رفته است. باید برای این شرایط خود را آماده کرد. باید واقعیت جنگ و تبعات آنرا به روشنی و بدون هیچ خیالپردازی دید و برسمیت شناخت تا بتوان صحنه جنگ واقعی طبقه کارگر علیه جمهوری اسلامی و نظام کاپیتالیستی حاکم را چید و این کار کمیونیستهای و رهبران و فعالین رادیکال طبقه کارگر است.

## اول مه روز جهانی کارگر در منگنه ی دو جنگ!

### «گفتگوی مظفر محمدی با رادیو نینا»

آسو سهامی: اول مه امسال در شرایط متفاوتی نسبت به سال های قبل فرا میرسد. جنگ و تجاوز آمریکا و اسرائیل به ایران فضای سختی را به جامعه تحمیل کرده است. شما ویژگی این شرایط و تاثیرات آن را چگونه می بینید؟

مظفر محمدی: درسته شرایط سخت و آزار دهنده ای است. جنگ و تجاوز خارجی همیشه گفت همه چیو بهم ریخته. هیچی مثل سابق سر جایش نیست. این جنگ جنایتکارانه علاوه بر این که جان صدها نفر از جمله کودکان مدارس ابتدایی را گرفته، خانه های مسکونی را بر سر مردم خراب کرده، میلیون ها نفر را از خانه و کاشانه شان آواره کرده، آسیب های سنگینی به مراکز کارگری از جمله پتروشیمی ها، گاز، فلز، ماشین سازی و شرکت های تولیدی و خدماتی و حمل و نقل زده است. این باعث شده صدها هزار کارگر بیکار و تعدیل بشوند.

تازه این یک طرف قضیه است. چرا که، جامعه ما در واقع در منگنه ی دو جنگ، یکی تجاوز خارجی و دیگری جنگ و سرکوب جمهوری اسلامی با مردم قرار گرفته است. همزمان با جنگ و بمباران، ماشین سرکوب رژیم به کار افتاده، شبانه روز مردم را به بهانه های مختلف مثل جاسوسی و غیره بازداشت و زندانی میکنند. ده ها نفر از معترضین دی ماه را اعدام کرده اند. ده ها هزار زندانی بدون امکانات اولیه در زندان های مخوف نگه داری میشوند. اینترنت و وسایل ارتباط جمعی قطع شده. خیابان ها و محلات شهرها به قرق گروه های مزدور و مسلح در آمده. برنامه سرکوب سراسری با «طرح امنیت محله محور»، کنترل و بازرسی های گسترده در محلات، خیابان ها و جاده ها، بازداشت و محاکمه ی متهمین به همکاری با اسرائیل در دادگاه های صحرایی... همگی استفاده از شرایط جنگی علیه امنیت و سلامت و حرمت مردم و برای تخریب روحیه جامعه و به حاشیه راندن اعتراضات کارگران و مطالبات معیشت و آزادی و رفاه است

در چنین شرایطی بزرگداشت اول مه و بعد از آن هم با موانع تبعات این جنگ مواجه است .

آسو سهامی: خوب طبقه کارگر برای تغییر این شرایط چه نقشی می تواند داشته باشد. چه اتفاقی باید بیفتد؟ آیا وظایف معینی در دستور کار کارگران قرار گرفته است؟

مظفر محمدی: اولین و فوری ترین اتفاقی که باید بیفتد این است که این جنگ فوراً تمام بشود. پایان جنگ و تجاوز خارجی به یک ضرورت حیاتی جامعه ما تبدیل شده است. مقاومت در برابر نظامی کردن محیط کار و زندگی، بازرسی ها و مزاحمت ها و تهدید و بازداشت و اعدام های صحرایی جمهوری اسلامی، اولویت اول جامعه ی آگاه ما است.

هر چند ظاهراً آتش بس شده، اما فضای جنگی و تهدید و کشمکش های بر سر مطالبات جنگ از هر دو طرف و بویژه اهدافی که آمریکا و اسرائیل تعقیب می کنند به قوت خودش باقی است. من در باره چند و چون این جنگ و نتایج و برنده یا بازنده آن حرف نمی زنم. قبلاً گفتم این جنگ برنده ندارد اما بازندگانش مردم ایران و منطقه هستند.

در واقع، ختم جنگ هم در توان طبقه کارگر و مردم ایران نیست. نیرویی عظیم طبقاتی و اجتماعی در جهان لازم است تا افسار متجاوزین و جنگ طلبان را بکشد. تصور کنید اگر در همین آستانه ی اول مه طبقه کارگر جهانی بویژه در آمریکا اعتصابات قدرتمند سراسری علیه جنگ سازمان دهند و خیابان های پایتخت های کشورهای را به لرزه در بیاورند، تاثیر تعیین کننده ای در خاتمه دادن به این جنگ و جنایت خواهند گذاشت.

اعتراض علیه جنگ در بیشتر کشورها وجود دارد. اما موقعیت طبقه کارگر در تولید و خدمات اجتماعی این قدرت را بهش داده که هر رژیمی را از پایه فلج کند. این قدرتمند ترین نیرو و اقدام برای ختم فوری جنگ است.

اما تا آنجا که به طبقه کارگر ایران برمیگردد، اگر چه ختم جنگ دست او نیست، اما در کاهش مصائب آن و دفاع از آزادی و امنیت و معیشت میتواند وظایف مهمی را برعهده بگیرد.

گفتم بزرگداشت اول مه امسال با موانع جدی عوارض و تبعات جنگ از طرفی و استفاده ی رژیم از فضای جنگی برای این که آزادیهای سیاسی و اجتماعی را محدود کند روبرو است. فضای امنیتی ایزاری است که رژیم تلاش میکند از طریق آن مطالبات فوری طبقه کارگر و جامعه و اعتراضات حول آن را به حاشیه برد.

از نظر من بدوا و مقدمتا فعالین و رهبران کارگران بخش های مختلف کار از طریق ارتباطات و شبکه هایشان یک بیانیه سراسری تهیه کنند. امیدوارم تا حالا این کار شده باشد و به اطلاع عموم برسانند.

آسو سهامی: این بیانیه از نظر شما شامل چه مسائلیه؟ چه موضوعاتی در دستور طبقه کارگر میتواند قرار بگیرد؟

مظفر محمدی: به نظر من بیانیه امسال اول مه طبقه کارگر ایران، ۳ محور اصلی دارد.

یکی، طبق سنت روز جهانی طبقه کارگر، ادعانامه علیه نظام نکبت بار و استثمارگر سرمایه داری و تاکید بر همبستگی بین المللی طبقه کارگر است. دوم، خواست فوری خاتمه جنگ است.

و محور سوم، تعیین وظایفی در رابطه با شرایط کنونی حاکم بر جامعه در نتیجه جنگ و به بهانه جنگ است.

این وظایف مطالبات فوری و معینی هستند که کارگران در دستور خود و جامعه میگذارند و برای آن مبارزه میکنند.

به بخشی از این مطالبات که در شرایط کنونی فوری ترین و ضروری ترین شان است، اشاره میکنم:

۱- دستمزد سال جاری کارگران متناسب با گرانی و تورم و نیاز خانوارهای کارگری افزایش یابد.

۲- طرح تعدیل و اخراج کارگران در کارخانه ها به بهانه ی آسیب دیدن ماشین ها و یا کمبود مواد اولیه، متوقف شود. تا ترمیم بخش های خسارت دیده و بازگشت به کار، به کارگران بیمه بیکاری معادل دستمزد پرداخت شود.

۳- به بازماندگان و خانواده های کارگران کشته شده در محل کار غرامت کامل و مستمری مکفی پرداخت شود. خسارت وارده به خانه های مردم تمام و کمال توسط دولت جبران شود.

۴- به قطع اینترنت فوراً خاتمه داده شود. هر گونه کنترل روابط اجتماعی مردم و خدشه در آن جرم و ممنوع است.

۵- لغو مجازات اعدام. و به بازداشت و تعقیب معترضین و اتهام جاسوسی به مردم خاتمه داده شود. بازداشت و محاکمه ی متهمین به جاسوسی در دادگاه های صحرایی برای ارباب مردم و جنایت علیه بشریت است.

۶- گروه های فالانژ حزب الهی و بسیج از محلات و خیابان ها برچیده شوند. کنترل و بازرسی های خیابانی و در جاده ها و محل های کار و زندگی برداشته شود.

۷- کلیه زندانیان سیاسی قدیمی و بازداشتی های دی ماه تا کنون فوراً آزاد شوند.

این ها حداقل هایی هستند که در شرایط کنونی موضوع مبارزه و تلاش جدی طبقه کارگر و فعالین و رهبران اجتماعی بخش های مختلف جامعه است.

ببینید! ۱۱ اردیبهشت روز کارگر در قانون کار جمهوری اسلامی تعطیل اعلام شده. اما بخش زیادی از کارگران تحت فشار کارفرما با پرداخت درصدی اضافه مزد سر کار حاضر میشوند. در هر حال آن بخش کارگران که از سر اجبار یا نیاز در محل کار حاضرند، امکان تجمعی ولو کوتاه مدت در محل کار برای بزرگداشت اول مه و قرائت بیانیه ای که از پیش تهیه شده را دارند. بقیه کارگران در تعطیل با توجه به فضای جنگی و امنیتی کنونی اگر امکان تجمعات و حضور خیابانی نداشته باشند، میتوانند در محافل بزرگ و کوچک حاضر شده و بویژه بیانیه سراسری اول مه کارگران ایران و وظایف و مطالباتش را مورد بحث قرار داده و برای آن برنامه ریزی کنند.

آسو سهامی: علاوه بر نقش طبقه کارگر در شرایط و فضای جنگی کنونی که گفتید، اما در پایان این جنگ بالاخره جامعه به حالت عادی بر میگردد. آیا پایان جنگ به معنای از سر گیری اعتصابات کارگری و... صفحه بعد

می تواند با فضای جنگی و سرکوب و سرشکن کردن خسارات جنگ بر سرفره ی مردم مقابله کند. دستمزدها و شرایط کار و زندگی اش را بهبود بخشد. می تواند پیشرو رهبر جامعه برای رسیدن به رفاه و آزادی و حرمت انسانی، برابری زن و مرد، آزادی زندانیان سیاسی، لغو اعدام و دیگر مطالبات حیاتی باشد و افق دنیای بهتری را به روی جامعه باز کند.

وقتی طبقه کارگر به آگاهی طبقاتی برسد و خود را مثل یک طبقه واحد ببیند، یعنی:

- ضرورت همبستگی و هماهنگی برای اعتراضات سراسری را درک کرده است.
- فوریت تشکیل توده ای و اتحاد سراسری را امری فوری و عاجل خود می داند.
- سازماندهی حزب سیاسی خود را بعنوان امری عاجل در دستور قرار داده است.

این ها اجزای در هم طنبیده مبارزه طبقاتی هستند.

اول مه یادآور قدرت طبقه کارگر و کمونیسم اش بعنوان صاحب جامعه و پرچمدار رهایی بشر است. روز جهانی کارگر را به طبقه کارگر ایران تریک میگویم!



**دولت مهم ترین ابزار طبقه**

**حاکمه برای تحت انقیاد**

**نگاهداشتن توده های تحت**

**استثمار است.**

اعتراضات اجتماعی است؟ یا تبعات جنگ و سرکوبگری جمهوری اسلامی میتواند برای مدت طولانی طبقه کارگر و جامعه را ساکت کند!

مظفر محمدی: بدون شک تبعات این جنگ، دراز مدت است. جمهوری اسلامی همینکه بقای خود را تامین شده ببیند، به مقابله با جامعه ای بر میگردد که او را نمیخواهد. اما جمهوری اسلامی بعد از جنگ همان نظام قبل از جنگ نیست. منظورم شکست یا پیروزی در جنگ نیست. اولاً انسجام حاکمیت و رهبری بهم خورده است. دوماً، فقر و فلاکت و گرانی و گرسنگی تشدید شده است. جمهوری اسلامی نمیتواند پاسخ خواستههای مردم را با سرکوب بدهد. باید جوابگوی مطالبات معیشتی و آزادیخواهانه را بدهد. فشارها، اعتراضات کارگری و اعتراضات اجتماعی تشدید و گسترده تر میشود. جمهوری اسلامی در مقابل مردم ضعیف تر و محتاط تر خواهد بود.

ما نباید بگذاریم تبعات جنگ و فضای امنیتی، صدای آزادیخواهی و حق طلبی جامعه را به حاشیه برد. نباید بگذاریم جمهوری اسلامی با ادعای پیروزی «ملت ایران» توسط سپاهیاننش که امروزه ورد زبان حکام است، برای خود مشروعیت بخرد.

میهن پرستی محصول دیگر جنگ ارتجاعی است. بورژوازی چه در حاکمیت و چه اپوزیسیون داخل و خارج، زیر پرچم میهن پرستی و ایران دوستی صف میکشند. در شرایط نفرت عمومی از اسلامیت و مذهب و شریعت نظام، میهن پرستی ابزاری فریبنده تر است. از این بعد سرودهای ملی و شعارها و پرچم زنده باد ایران، جای سینه زنی یا حسین در خیابان های تهران را میگیرد. در این شرایط، لاشخورهایی کمین کرده اند تا از قبل جنگ و تباهی جامعه کلاهی برای خود بدوزند. در زمین عفونت جنایات جنگی، تنها کرم هایی مثل پهلویست ها، فرقه ی رجوی، قوم پرستان و جنگ طلبان رشد میکنند.

دشمنان رنگارنگ مردم از ترامپ و نتنهاو تا فرقه های تبهکار اپوزیسیون بورژوازی بار دیگر تحریکات و پروپاگاندا، «به خیابان برگردید» را تکرار و فرمان های قیام صادر می کنند.

وظیفه ما مقابله با این شرایط و بازسازی نیروی طبقاتی و اجتماعی سازمانیافته و هدفمند است. در این وضعیت نقش طبقه کارگر و فعالین و رهبران و بویژه کارگران کمونیست و سوسیالیست تعیین کننده است. تجربه خیزش های اجتماعی و از جمله دی ماه خونین، ما را به این ضرورت حیاتی رسانده است که طبقه کارگر و کمونیسم اش باید سکان کشتی اعتراضات توده ای را در دست بگیرد و با چشمان باز نقش هدایت کننده اش را ایفا کند. باید جلو دخالت خائنانه ی دشمنان طبقه کارگر و مردم را گرفت!

من بارها گفته ام که خیابان آخرین سنگری است که میتواند به قیام منجر شود. این درست است که ما نمیتوانیم جلو خیزش و شورش و عصیان مردم خشمگین و متنفر از جمهوری اسلامی را بگیریم. اما بخش آگاه جامعه باید هشیار باشد که نباید بیگدار به آب زد. همیشه با قیام بازی کرد. تا رسیدن به روزهای قیام کارهای زیادی باید کرد. اتفاقات دیگری باید بیفتند. بدون آمادگی، سازمان، نقشه و رهبری، هزینه ی مبارزات مردم بسیار بالا است. جامعه ما باید با کم ترین درد و دزدسر و تلفات به پیروزی برسد!

باید برای انقلاب سازمانیافته خود و از پایین آماده شد. اتحادیه های کارگری، جنبش مجامع عمومی و شوراهای کارگری، انجمن های مردمی، شبکه های اجتماعی زنان و دانشجویان و جوانان انقلابی ابزارهای مبارزه ی آزادیخواهانه و برابری طلبانه اند. ما با این ابزارها میتوانیم حقوق خود را از حلقوم حکام سرمایه و نظام پلیس جمهوری اسلامی بیرون بکشیم و گلولی دشمن را تا خلع ید از قدرت و ثروت بفشاریم.

سوسیالیست های متشکل درون طبقه کارگر و شبکه های سازمانیافته ی درون جامعه باید توده عظیم کارگران و زحمتکشان را برای یک تغییر و تحول اساسی به آگاهی و نقشه ی خود مسلح و آماده کنند.

رهبران و اداره کنندگان جامعه از دل اعتراض و مبارزه توده ای سازمانیافته بیرون می آیند. از میان طبقه کارگر انقلابی، زحمتکشان و زنان و جوانان و انجمن های و شبکه های اجتماعی. آنها نه در صندوق انتخابات بلکه در شوراهای و مجامع عمومی و عمل مستقیم بخش های گسترده و سراسری کارگری و محله ای شهرهای ایران. تحولی انقلابی که از دل آن شوراهای کارگری و مردمی محلات کار و زندگی و در نهایت کنگره سراسری نمایندگان شوراهای بیرون می آید. شوراهایی که خود قانون می نویسند و خود قوانین را در محل های کار و زندگی اجرا می کنند.

طبقه کارگر ایران تنها با آگاهی از موقعیت طبقاتی و اجتماعی قدرتمند خود

دفاع از مردم در ایران و منطقه و به تبع آن در دفاع از حداقل معیشت و ملزومات زندگی اکثریت میلیاردری نیروی کارکن جهان است. از این رو، پایان بی قید و شرط جنگ، خواست بشریتی است که از همه سو، زندگی و سلامت ش گروگان این جنگ ارتجاعی است. صداهایی که در خارج از میدان پروپاگاندهای جنگی و نظامی، به روشنی شنیده میشود، از جمله صدای زیر، میگوید که حقایق این جنگ که تلاش میشود پشت آواری از تبلیغات و پروپاگاندهای جنگی، شنیده نشود، چی است.

«تارنمای داوطلب» می نویسد:

«GLOBAL UNIONS، اتحادیه جهانی که نماینده بیش از ۲۰۰ میلیون کارگر در سراسر جهان است، طی بیانیه ای خواستار آتش بس فوری، دائمی و پایدار در سراسر خاورمیانه شده‌اند و اعلام کرده‌اند که چرخه بی‌پایان جنگ و نظامی‌گری باید فوراً پایان یابد؛ چرخه‌ای که همچنان هزینه‌های ویرانگر بر غیرنظامیان، کارگران و کل جوامع تحمیل می‌کند.

این سازمان در بیانیه خود که به امضای دبیرکل ۱۱ فدراسیون و اتحادیه بین‌المللی رسیده است، افزوده است که: ما تأسف عمیق خود را ابراز می‌کنیم که مذاکرات اخیر در اسلام‌آباد، در جریان آتش‌بس دو هفته‌ای میان ایالات متحده آمریکا، اسرائیل و ایران، بدون دستیابی به یک توافق صلح قابل اجرا پایان یافت.

این بیانیه افزوده است که: بسته شدن تنگه هرمز، شوک‌های شدید انسانی و اقتصادی در سراسر منطقه ایجاد کرده است و صادرات نفت، گاز و کود شیمیایی و همچنین زنجیره‌های تأمین را مختل کرده است؛ این وضعیت ناامنی غذایی را تشدید کرده و اقتصادهای شکننده را وارد بحران مالی عمیق‌تری کرده است که پیامدهای جدی برای معیشت مردم دارد. این وضعیت هزاران شغل را در معرض خطر قرار داده و کارگران را در معرض از دست دادن ناگهانی درآمد و نبود حمایت قرار داده است. بیش از ۲۰ هزار دریانورد، (که کارکنان غیرنظامی صنعت حمل و نقل دریایی هستند) در تنگه هرمز گرفتار شده‌اند و در ترس و ناامنی دائمی زندگی می‌کنند؛ بیش از ۳۰ میلیون کارگر مهاجر در سراسر منطقه، کارگران غیرنظامی‌ای که عملاً در خط مقدم این بحران قرار گرفته‌اند و در میان آسیب‌پذیرترین گروه‌ها قرار دارند؛ آن‌ها در عین حفظ بخش‌های کلیدی اقتصاد، با خطرات شدید امنیتی، از دست دادن شغل، عدم پرداخت دستمزد و موانع تخلیه اضطراری مواجه هستند.

این جنگ مخرب، که ریشه‌های آن نه در ایران و نه در ماهیت ارتجاعی حکومت ایران که از آن حداکثر بهره‌برداری سیاسی به «سود نظام» را می‌برد است، و نه در غزه و فلسطین و میلیون‌ها نفری که قربانی ماشین جنایتکار جنگی اسرائیل هستند، و نه حتی در ماهیت ارتجاعی و لمپنیسم و لات منشی مهوع ترامپ!

ریشه آن در بن بست پایان جهان یک قطبی است که در صدر آن «ایالات متحده آمریکا» نشسته بود؛ بن بست که در بطن آن امکان بقا اسرائیل بعنوان یک کشور، تحت تأثیر نسل‌کشی تاریخی از فلسطینیان و انزوای امروز آن تحت فشار بشریت متمدنی که بیش از این تحمل نمی‌کند، بسختی ممکن است؛ در «بن بست» که در سیر شکل‌گیری «نظم جهانی جدید» و «چند قطبی» بوجود آمده است، بدون تردید این تنها قدرت‌های حاکم بر اروپا و آمریکا و ایران و چین و روسیه نیستند که آن را تعیین میکنند؛ در خلا حضور جهانیانی که نه در قدرت سیاسی، نه در قدرت اقتصادی، و نه در قدرت نظامی سهم و نقشی در این منجلا ب دارند، یعنی در خلا حضور همان بخش عظیم جهانیانی که قربانی این جنگ ارتجاعی اند، هر نظامی که شکل بگیرد بی تردید اگر سیاه تر از نظم کنونی نباشد، سفید تر نیست!

در منجلا ب و بن بست میلیتاریسم و توحش آمریکا و اسرائیل و جنگ شان علیه ایران، امروز شاهد تولد و رشد «پان ایرانیسم» ی هستیم که خواهان ادامه جنگ تا «پیروزی» است! توهم پراکنی‌های دستگاه‌های تبلیغاتی رسمی در ایران که پشت به «پان ایرانیسم» ی دارد که امروز جمهوری اسلامی در رهبری آن قرار گرفته است، در مقابل فشار جهانیان برای «پایان فوری و بی قید و شرط جنگ» و حملات نظامی است، که مردم و جوامع انسانی را تخریب میکند. «رویا فروشی» در مورد دستاوردهای عظیم اقتصادی و سیاسی پس از «پیروزی» کامل نظامی ایران، همانقدر «رویا فروشی»، فریبکارانه، دروغ و «پوچ» است که نسخه باطل شده آن توسط باند «نیوپهلویست» ها و مهتدی ها! .... صفحه بعد

جنگی که با بسته شدن «تنگه هرمز» توسط ایران قدم به قدم به «تغییر رابطه قدرت» در دل این جنگ مخرب و «دست بالا پیدا کردن» جمهوری اسلامی در آن تبدیل شده، امروز به خواست «بازگشایی تنگه هرمز» رسیده است!

جنگی که، مستقل از دست بالا پیدا کردن امروز ایران یا فردا اسرائیل، در صورت ادامه، راه را برای دهها و دهها میدان و کانون تخریبی و موضوع «مورد مناقشه» و سیکل «جنگ و مذاکره» های دیگر با شرکت کاراکترهای بیشتری از قدرت‌های اروپایی تا آسیایی و آفریقایی و آمریکایی، باز خواهد کرد! «جنگ ها و مذاکراتی» که دیگر نه بر سر موضوع «تنگه هرمز» که بر سر دهها و دهها کانون بحرانی منطقه ای و جهانی خواهد بود. تا همین جا، جنگ ارتجاعی و حملات فاشیستی آمریکا و اسرائیل به ایران، که به «مناقشه» تنگه هرمز رسیده است، بخش بزرگی از بشریت کارکن و محروم در سراسر جهان را به فقر و فلاکت بیشتر کشانده است.

هنگامی که تنگه هرمز، این «گلوگاه حیاتی» انرژی جهانی بسته می‌شود، اثر آن «دومینو وار» به صنایع عظیم انرژی، غذایی، ساختمانی و همه کالاهایی که به صنعت حمل و نقل انرژی جهانی وابستگی دارند، ضربات زیادی میزند. تنگه هرمز یکی از شاهراه‌های حیاتی عبور و مرور کالاهای اولیه مورد نیاز جهان، از سوخت، انرژی تا مواد غذایی و دارویی و ساختمانی، است و جنگ بر سر «بازگشایی» یا «بسته» نگاه داشتن، هرچند نسبی آن، و خطر اضافه شدن «باب المنداب» به این تقابل و «اختلال و ناامن شدن مسیر آن، خطر گسترش دامنه جنگ به جغرافیاهای بیشتری در خاورمیانه و آسیا را بدنبال دارد.

جنگی که از همه سو علیه شهروندان بی‌گناه، در وهله اول در ایران و لبنان و غزه و سایر کشورهای منطقه است. جنگی که اما ترکش‌های آن علیه میلیاردها انسان، علیه نیروی کارکن و بشریت محروم در سراسر جهان است. جهانی که، فعلاً و تا اطلاع ثانوی مورد حمله مستقیم موشک و بمب قرار نگرفته است. جهانی که فقر، گرانی، کمبود مایحتاج اولیه زندگی، سلامت و تأمین حداقل ملزومات زندگی امروزش، که فی الحال زندگی فقیرانه‌ای است، را هم به خطر انداخته است.

در همین جهان، اما بخشی از آن، علاوه بر «اندوخته‌های سیاسی» بساط شان بسیار پررونق تر شده است!

بی بی سی ۱۶ آوریل ۲۰۲۶، در خبری تحت عنوان «تابستان کمبودها و سود باآورده جنگ» به نقل از روزنامه گاردین می نویسد که:

«گاردین در تحلیلی از سود شرکت‌های نفت و گاز منتشر کرده کرده، گزارش داده است که در ماه مارس امسال ۱۰۰ شرکت بزرگ جهان در مجموعاً ۲۳ میلیارد دلار «سود باآورده جنگ» بدست آورده‌اند.» و «صندوق بین‌المللی پول هشدار می‌دهد که اگر جنگ میان آمریکا و اسرائیل با ایران ادامه یابد و قیمت‌های بالای انرژی پابرجا بماند، اقتصاد جهانی در معرض خطر رکود قرار دارد.» و «این صندوق پیش‌بینی کرده است که در میان اقتصادهای پیشرفته، بریتانیا بیشترین آسیب را از شوک انرژی ناشی از جنگ ایران خواهد دید»

برنده یا بازنده این جنگ هر یک از طرفین باشند، برنده آن بخش سودآور سرمایه است و بازنده آن بخش محروم فاقد سرمایه، بشریت کارکن، محروم از سرمایه و برده نیروی کار خود! هنگامی که «اقتصادهای پیشرفته» آسیب می‌بینند، هنگامی که بخش زیادی از نیروی کارکن و مردم در بریتانیا متوسل به «بانک‌های غذایی» میشوند، بیکاری‌های وسیع و گرانی و قطع همه مزایای یک زندگی انسانی را از دست میدهند، در «اقتصادهای غیرپیشرفته» که متکی به «کار ارزان و کارگر خاموش» اند، اقتصادهایی که متکی به بی حقوقی مطلق نیروی کار است، از ایران و فلسطین و عراق و غزه و لبنان، تا هندوستان و پاکستان و بنگلادش و دهها و دهها کشور دیگر با جمعیت‌های صدها میلیونی، مرگ و میر بر اثر کمبود آب آشامیدنی، کمبود غذا و فقدان سوخت و دارو و مسکن و فرارهای میلیونی یا بدنبال کار یا در خطر جنگ، دورنمایی نه محتمل که قطعی است.

پیروزی یا شکست هریک از طرفین این جنگ، شکست بشریتی است که هزینه جنگ و شکست و پیروزی هر یک را میدهد! مهار ماشین نظامی افسار گسیخته آمریکا به رهبری ترامپ و اسرائیل به رهبری نتانیاهو، اولین قدم در

# نینا را در شبکه‌های اجتماعی زیر دنبال کنید:

سایت نینا

[radioneena.com](http://radioneena.com)

ساوند کلود

[soundcloud.com/radio-neena](https://soundcloud.com/radio-neena)

اینستاگرام

[instagram.com/radioneena](https://www.instagram.com/radioneena)

تلگرام

<https://t.me/RadioNeenna>

فیسبوک

[facebook.com/radioneena](https://www.facebook.com/radioneena)[hekmatist.com](http://hekmatist.com)

تماس با حزب



@Hekmatistx

دبیرخانه حزب

[dabirxane@hekmatist.com](mailto:dabirxane@hekmatist.com)

دبیر کمیته مرکزی: آذر مدرسی

[azar.moda@gmail.com](mailto:azar.moda@gmail.com)

دبیر کمیته رهبری: خالد حاج محمدی

[khaled.hajmohamadi@gmail.com](mailto:khaled.hajmohamadi@gmail.com)

تشکیلات خارج کشور حزب: امان کفا

[aso.fotuhi@gmail.com](mailto:aso.fotuhi@gmail.com)

دفتر کردستان حزب: محمد راستی

[sahand.sabet@gmail.com](mailto:sahand.sabet@gmail.com)

حکمتیست هفتگی

سردبیر: آذر مدرسی

«رویا فروشی» اپوریسیون پروحمله به ایران، پرو نسل کشی اسرائیل، آنها که ایران پس از بمباران اتمی را هم «پیروزی»، از جنس «پیروزی» و «رشد صنعتی» ژاپن پس از جنگ دوم اعلام کردند، همان اندازه «جنگ طلبانه» است که «رویا فروشی» پان ایرانیست های نوین ما! «پان ایرانیست» هایی که تلاش میکنند مردم ایران و جهانیان را به امید ادامه جنگ تا «پیروزی» های بیشتر ایران، از میدان جنگی که سرنوشت شان به آن گره خورده است، خارج کنند.

رویا رسیدن به دستاوردهای «تاریخی» رشد و شکوفایی قدرت اقتصادی ایران در «تاریخ آینده» بعنوان یکی از قدرت های جهان چند قطبی، همان قدر توهم است که رويا «شاه شاهان»، محمد رضا شاه پهلوی در «رسیدن به «دروازه تمدن بزرگ»! آن رويا را انقلاب مردمی که حاضر نبودند بار «رشد و شکوفایی» اقتصاد کاپیتالیستی را پشت به «عظمت طلبی» ایشان تحمل کنند، در سال ۵۷ بر باد داد! رویاهای کاپیتالیستی جهان امروز را هم، بشریتی که قرار است با تحمل جنگ و مرگ و گرسنگی و اختناق و استثمار و ... آن را برآورده کند، «انقلابات» و «شورش» های نوین «برباد» خواهد داد. این رويا ها تنها و تنها بشرط حذف، سرکوب و خفه نگاه داشتن میلیاردها انسان کارکن و محروم پیاده شدنی است! غیبت تاریخی نیروی کارکن، انقلابات، اعتصابات و قدرت نمایی های آن در جهان امروز مطلقا همیشگی نیست. ایران بخصوص از این نظر، زمین حاصلخیزی برای چنین انقلاب هایی است!

این جنگ اگر متوقف نشود و پایان نگیرد، علاوه بر خطر تخریب کامل ایران و قربانی گرفتن های میلیونی از مردم ایران، جهانی را سالها در منجلاب جنگ و قحطی سازمان یافته و ساختگی، گرسنگی های میلیونی ومرگ و میرهای جهانی، و سود و ثروت اندوزی های در ابعاد «ماهواره» ای، که تماما از محصولات «پیروز» شدن این یا آن سوی جدال است، رنگ تباه کننده خود را به جهان خواهد زد! نظمی که بر چنین باطلاقی شکل بگیرد، بی تردید اگر از نظم فاجعه بار کنونی سیاه تر نباشد، سفید تر نیست.

تنها نظم سفید و روشنی که میتواند در این منجلاب به همه قدرت های در صحنه، از «بدخیم ها» تا «خوش خیم» ها، تحمیل شود، نظمی است که در آن قدرت مردمی، بشریت متمدنی که در سراسر جهان علیه این جنگ به میدان آمده است، بشریت متمدنی که خواهان جنگ و تحریم اقتصادی و نسل کشی و اختناق و نابرابری نیست، تحمیل کند. این قدرتی است که امروز هیبت های حاکمه در آمریکا و کشورهای اروپایی و آسیایی و آفریقایی و خلیج فارس و خاورمیانه و .. فشار گوشه هایی از آن را تجربه میکنند. این قدرت باید سناریو سفید خود را به همه قدرت های ارتجاعی جهان، تحمیل کند.

